یادداشت

بحران قضاوت اخلاقی

حامد خانجانی
دانش‌آموخته فلسفه اخلاق

در دوره حاضر، مسئله «قضاوت اخلاقی» شاید بیش از هر زمان دیگری با بحران مواجه است؛ بحرانی که نه از فقدان اطلاعات، بلکه از وفور آن سرچشمه می‌گیرد. آنچه در ظاهر «عصر اطلاعات» نامیده می‌شود، در لایه‌های عمیق خود به نوعی ابهام ساختاری در فهم واقعیت انجامیده است.

در گذشته، محدودیت اطلاعاتی اغلب با نوعی ثبات تفسیری همراه بود. افراد اگرچه کمتر می‌دانستند، اما چارچوب‌های معنایی نسبتا پایدارتری برای فهم جهان داشتند. اکنون وضعیت تغییر کرده؛ داده‌ها بی‌شمارند، اما افق تفسیر ناپایدار است. هر رویداد می‌تواند در قالب روایت‌های متعارض، تصاویر دستکاری‌شده، تحلیل‌های جهت‌دار و موج‌های رسانه‌ای بازسازی شود. در چنین وضعی، فرد نه با «واقعیت»، بلکه با نسخه‌های رقابتی از واقعیت مواجه است. نتیجه آن است که تشخیص درست از نادرست و حتی تشخیص معتبر از نامعتبر، به کاری پیچیده و گاه ناممکن تبدیل می‌شود. این وضعیت فقط به خطایی معرفتی محدود نمی‌ماند، بلکه به قلمرو اخلاق نیز راه می‌یابد. قضاوت اخلاقی بر این پیش‌فرض استوار است که فاعل اخلاقی تا حدی از شرایط واقعی کنش خود آگاه است؛ اما اگر آگاهی به‌واسطه تحریف، گزینش یا دستکاری اطلاعاتی مخدوش شود، آنچه به عنوان «تصمیم اخلاقی» ظاهر می‌شود، ممکن است صرفا واکنشی به روایتی ساختگی از جهان باشد. در این حالت، فرد به لحاظ ذهنی ممکن است صادقانه داوری کند، ولی صداقت در نیت، جایگزین صحت در مبنا نمی‌شود. از سوی دیگر، مسئله فقط نادانی نیست، بلکه توهم دانایی نیز هست. انسان امروز اغلب احساس می‌کند چون به حجم عظیمی از داده‌ها دسترسی دارد، پس از آگاهی برخوردار است؛ اما دسترسی با فهم تفاوت دارد. ذهنی که در معرض سیلاب پیوسته اطلاعات قرار دارد، به‌جای تعمیق شناخت، ممکن است دچار فرسودگی شناختی شود. در چنین شرایطی، افراد به میان‌برهای ذهنی، سوگیری‌های تأییدی و داوری‌های شتاب‌زده پناه می‌برند. نتیجه آن است که تصمیم اخلاقی نه حاصل تأمل، بلکه محصول واکنش است؛ واکنشی که اغلب از پیش توسط سازوکارهای رسانه‌ای و ساختارهای قدرت جهت‌دهی شده است. اینجا مسئله آزادی اراده نیز به میان می‌آید. «عمل اخلاقی» فقط به آگاهی نیاز ندارد، بلکه مستلزم امکان انتخاب مستقل نیز هست. بااین‌حال، اگر محیط اجتماعی و نظام‌های سیاسی و فرهنگی، چارچوب‌های ادراک و ترجیح را به‌گونه‌ای شکل دهند که دامنه انتخاب واقعی محدود شود، آزادی اراده از درون تهی می‌شود. کنترل همیشه به معنای اجبار مستقیم نیست؛ گاه کافی است میدان ادراک محدود یا دستکاری شود تا انتخاب‌ها ظاهرا آزاد اما عملا هدایت‌شده باشند. فرد ممکن است احساس کند خود تصمیم گرفته، درحالی‌که گزینه‌هایی که میان آنها انتخاب کرده است، پیشاپیش طراحی شده‌اند. در چنین جهانی، مسئولیت اخلاقی چه معنایی پیدا می‌کند؟ اگر آگاهی مخدوش و آزادی نسبی باشد، آیا می‌توان همچنان از مسئولیت سخن گفت؟ این پرسش، اخلاق را به قلمرو پیچیده‌ای می‌کشاند که در آن سرزنش و ستایش دیگر به‌سادگی گذشته قابل اعمال نیستند. بااین‌حال، این بحران لزوما به معنای فروپاشی کامل اخلاق نیست؛ می‌تواند به بازتعریف آن بینجامد. اگر یقین در دسترس نیست، مسئولیت اخلاقی ممکن است بیش از هر چیز در تعهد به جست‌وجوی حقیقت، در پرهیز از شتاب‌زدگی داورانه و در آگاهی از امکان خطا معنا یابد. اخلاق در چنین دوره‌ای نه بر قطعیت شناختی، بلکه بر فروتنی معرفتی استوار می‌شود. فرد اخلاقی کسی نیست که با اطمینان حکم می‌دهد، بلکه کسی است که می‌داند ممکن است در داوری خود فریب خورده باشد و با این آگاهی، محتاط‌تر، سنجیده‌تر و مسئولانه‌تر عمل می‌کند. به این ترتیب، اگر انسان امروز از حیث آگاهی و آزادی در نقصان به سر می‌برد، شاید وظیفه اخلاقی او بیش از گذشته نه در داوری قاطع، بلکه در مراقبت از فرایند داوری نهفته باشد. اخلاق دیگر صرفا انتخاب میان خوب و بد نیست؛ تلاشی پیوسته برای تشخیص این است که آیا اصلا می‌دانیم با چه چیزی روبه‌رو هستیم یا نه. در جهانی که حقیقت به‌سادگی در دسترس نیست، مسئولیت اخلاقی پیش از هر چیز به مسئولیت شناختی تبدیل می‌شود.

تحلیل نهادی موج‌های اعتراضی در ایران؛ بازه ۱۳۸۸ تا دی‌ماه ۱۴۰۴

عباد تیموری
پژوهشگر حوزه توسعه و مدرس دانشگاه

در مدت ۱۶ سال گذشته، ایران شاهد موج‌های اعتراضی متعددی بوده است: ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸، ۱۴۰۱ و در ادامه آن، اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴. هرکدام از این رخدادها زمینه و محرک خاص خود را داشته‌اند، اما تکرار آنها پرسشی بنیادین را پیش‌روی تحلیلگران قرار می‌دهد: آیا این اعتراضات رویدادهایی مقطعی‌اند یا نشانه یک الگوی ساختاری عمیق‌تر؟

چارچوب نظری داروِن عجم‌اوغلو و جیمز رابینسون -به‌ویژه در سه اثر «ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی»، «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» و «راه باریک آزادی»- ابزار مفهومی مناسبی برای فهم این چرخه فراهم می‌آورد. براساس این چارچوب، تکرار اعتراضات را می‌توان نتیجه افول اقتصادی شدید، فرسایش سرمایه اجتماعی، انسداد کانال‌های چانه‌زنی و شکنندگی تعادل دولت-جامعه دانست.

۱. چارچوب نظری

تعارض توزیعی و «تعهد معتبر»

عجم‌اوغلو و رابینسون در «ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی» نشان می‌دهند گذار به دموکراسی یا تداوم اقتدارگرایی تابعی از تعارض توزیعی میان فرادستان سیاسی و توده‌هاست. زمانی که تهدید اعتراض «معتبر» باشد و هزینه سرکوب از هزینه تقسیم قدرت فراتر برود، فرادستان به اعطای امتیاز نهادی تن می‌دهند. نقطه کانونی این مدل، «تعهد معتبر» است: آیا اصلاحات اعلامی به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که برای طرف مقابل باورپذیر و پایدار باشند؟ فقدان چنین تعهدی، تعادل سیاسی را شکننده می‌کند.

نهادهای فراگیر در برابر بهره‌کش

در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند»، توسعه پایدار به کیفیت نهادهای سیاسی و اقتصادی نسبت داده می‌شود. نهادهای فراگیر با توزیع نسبی قدرت، تضمین حقوق مالکیت و رقابت، افق سرمایه‌گذاری و نوآوری را گسترش می‌دهند؛ اما نهادهای بهره‌کش با تمرکز قدرت و رانت، انگیزه‌های مولد را تضعیف می‌کنند. همبستگی ساختاری میان بسته‌بودن سیاست و تمرکز رانت اقتصادی، به فرسایش اعتماد و سرمایه اجتماعی می‌انجامد. توسعه پایدار فقط وقتی رخ می‌دهد که قدرت سیاسی توزیع شود و نهادها اجازه مشارکت گسترده اقتصادی بدهند.

«دالان آزادی» و تعادل دولت-جامعه

«راه باریک آزادی»، پایداری نظم آزاد را در گرو تعادلی پویا می‌داند: دولت باید ظرفیت اجرائی کافی داشته باشد، اما جامعه نیز باید سازمان‌یافته و قادر به مهار دولت باشد. خروج از این «راه باریک»، یا به لویاتان مهارنشده (اقتدارگرایی) می‌انجامد یا به دولت ضعیف و بی‌ثبات. نقش نهادهای میانجی -احزاب، اتحادیه‌ها، رسانه‌ها و انجمن‌های مدنی- در تثبیت این تعادل تعیین‌کننده است.

۲. پس‌زمینه اقتصادی: داده‌هایی که چرخه را توضیح می‌دهند

تورم مزمن و سقوط ارزش پول

در دو دهه اخیر، اقتصاد ایران با تورم بالا و کاهش شدید ارزش پول ملی مواجه بوده است. براساس گزارش‌های رسمی، در دی‌ماه ۱۴۰۴ تورم نقطه‌به‌نقطه شاخص قیمت کالاها و خدمات حدود ۶۰ درصد بوده و برای گروه خوراکی‌ها به ۹۰ درصد رسیده است.

طی دهه اخیر، کاهش ارزش پول ملی به طور مستمر قدرت خرید خانوارها را تضعیف کرده است. این افول در سال ۱۴۰۴ به طور بی‌سابقه‌ای شدت یافته است؛ به نحوی که ارزش هر دلار آمریکایی به بیش از ۱۶۰ هزار تومان رسیده است.

در چارچوب نهادی، این وضعیت نشان‌دهنده ناتوانی در تثبیت قواعد اقتصادی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر است؛ عاملی که اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد.

رشد اقتصادی نوسانی و بیکاری فزاینده جوانان

داده‌ها نشان می‌دهند رشد اقتصادی ایران در دهه ۱۳۹۰ در محدوده صفر و گاهی منفی بوده است و متوسط نرخ رشد سه سال اخیر نیز حدود چهار درصد اعلام شده است. طی سال‌های گذشته نرخ بیکاری جوانان نیز حول و حوش ۲۰ درصد تثبیت شده است. گزارش‌ها نیز از «سقوط مشارکت اقتصادی» و خروج نیروی کار از بازار کار به عنوان واکنشی به رکود و بیکاری حکایت می‌کنند.

این داده‌ها نشان می‌دهند فرصت‌های اقتصادی محدود شده‌اند و نتایج آن به فرسایش سرمایه اجتماعی دامن زده‌اند. در منطق نهادی، وقتی فرصت برابر کاهش می‌یابد، احساس بی‌عدالتی ساختاری افزایش پیدا می‌کند.

۳. صورت‌بندی تحلیلی موج‌های اعتراضی ایران

۱۳۸۸: بحران نمایندگی و کاهش شمول سیاسی

موج اعتراضات ۸۸ بیش از هر چیز با مسئله «نمایندگی سیاسی» گره خورده بود. بخش مهمی از جامعه شهری احساس می‌کرد کانال رسمی انتقال اراده سیاسی کارکرد خود را از دست داده است. در منطق نظریه تعارض توزیعی، این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که نهادهای سیاسی دیگر «فراگیر» تلقی نشوند و رقابت سیاسی محدود شود. با این حال، هزینه تغییر بنیادی بسیار بالا بود و تعادل قدرت به نفع حفظ وضعیت موجود باقی ماند. پیامد نهادی آن، تقویت تمرکز قدرت و احتیاط بیشتر درباره گشایش‌های رقابتی بود.

۱۳۹۶: انتقال به پیرامون و برجسته‌شدن شکاف معیشتی

از سال ۱۳۹۶ به بعد، جنس اعتراضات تغییر کرد و با تغییر پایگاه اجتماعی و جغرافیایی همراه بود. اعتراضات از مراکز سیاسی به شهرهای کوچک‌تر و طبقات اقتصادی آسیب‌پذیرتر منتقل شد. این تغییر نشان می‌داد مسئله صرفا سیاسی نیست، بلکه فشار اقتصادی مزمن و احساس نابرابری ساختاری در حال انباشت است. برجسته‌شدن مطالبات معیشتی را می‌توان نشانه‌ای از فرسایش اقتصادی در چارچوبی دانست که فرصت‌های برابر و رشد پایدار محدود است. در خوانش نهادی، همبستگی سیاست بسته و اقتصاد رانتی، سرمایه اجتماعی را تضعیف می‌کند و اعتراض را از سطح رقابت سیاسی به سطح بقا و عدالت توزیعی می‌کشاند.

۱۳۹۸: شوک سیاستی و فقدان چانه‌زنی معتبر

در آبان ۱۳۹۸، با شوک افزایش قیمت بنزین، نارضایتی انباشته به انفجار انجامید. در غیاب نهادهای میانجیِ مؤثر، زمانی که تصمیمات توزیعی بدون سازوکار چانه‌زنی و جبران معتبر اتخاذ شوند، احتمال واکنش اجتماعی ناگهانی افزایش می‌یابد. نبود کانال گفت‌وگوی نهادی، خیابان را به تنها ابزار بیان نارضایتی تبدیل می‌کند.

۱۴۰۱: تعارض هویتی و نسلی

اعتراضات ۱۴۰۱ مرحله‌ای دیگر از این چرخه بود؛ مرحله‌ای که ابعاد هویتی و نسلی در آن برجسته شد. مسئله دیگر صرفا معیشت یا انتخابات نبود، بلکه شکاف فرهنگی، سبک زندگی و تصور از کرامت فردی در مرکز قرار گرفت. این مرحله را می‌توان «بحران مشروعیت فرهنگی» نامید. در چارچوب نظریات عجم‌اوغلو و رابینسون، هنگامی که جامعه امکان اثرگذاری نهادی پایدار نداشته باشد، شکاف‌های فرهنگی به تعارض مستقیم تبدیل می‌شوند. ضعف سازمان‌یافتگی میانجی‌ها، رابطه را به دوگانه دولت-خیابان تقلیل می‌دهد؛ وضعیتی که در منطق نظریه بازی نیز بی‌ثبات است.

دی‌ماه ۱۴۰۴: بحران اعتماد به آینده

اگر این موج را ادامه روند پیشین بدانیم، ویژگی کانونی آن «اعتراض به افق آینده» است: ترکیب مطالبات اقتصادی و هویتی، بی‌اعتمادی به اصلاحات مقطعی و گسترش نارضایتی پراکنده اما فراگیر.

در الگوی نهادهای بهره‌کش، اقتصادهایی که رشد پایدار و توزیع فرصت برابر ندارند، به‌تدریج اعتماد جامعه را از دست می‌دهند. تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، مهاجرت فزاینده نخبگان و نااطمینانی از آینده، ترکیبی می‌سازد که اعتراض را از یک واکنش به سیاست خاص، به واکنش به «کل مسیر» تبدیل می‌کند. فقدان تعهد معتبر، حتی امتیازات کوتاه‌مدت را کم‌اثر و چرخه‌ها را کوتاه‌تر می‌کند.

اگر اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ را در این چارچوب تحلیل کنیم، با چند ویژگی کلی روبه‌رو می‌شویم:

- ترکیب مطالبات اقتصادی و هویتی
- بی‌اعتمادی عمیق به وعده‌های اصلاحی
- ضعف نهادهای میانجی
- گسترش نارضایتی فراگیر

در این وضعیت، مسئله اصلی دیگر یک تصمیم یا یک نهاد خاص نیست؛ بلکه «انسداد چانه‌زنی نهادی» است. احزاب، اتحادیه‌ها، رسانه‌های مستقل و سازوکارهای میانجی، اگر نتوانند نقش واسط بین دولت و جامعه را ایفا کنند، رابطه به شکل مواجهه مستقیم و خشونت بار بین «دولت-جامعه» تقلیل می‌یابد.

الگوی مشترک

ترتیب تاریخی موج‌ها نشان‌دهنده تعمیق تدریجی شکاف نهادی است. این سیر، گذار از یک اختلاف سیاسی مشخص به یک شکاف نهادی فراگیر در رابطه دولت-جامعه را نشان می‌دهد. در چارچوب نظری، تداوم اعتراضات نه به یک بحران منفرد، بلکه به ناتوانی در تبدیل نارضایتی به اصلاح تدریجی نسبت داده می‌شود. آنچه این موج‌ها را به هم پیوند می‌دهد، نه یک شعار مشترک، بلکه یک الگوی نهادی مشترک است: بسته‌شدن مسیرهای گفت‌وگو و ضعف نهادهای واسط. چرخه شکل‌گرفته نه به فروپاشی فوری انجامیده و نه به اصلاح پایدار، بلکه نوعی «تعادل سخت و شکننده» به وجود آورده است. در چنین تعادلی، هر موج اعتراضی مهار می‌شود، اما ریشه‌های آن باقی می‌ماند. فاصله میان موج‌ها نیز کوتاه‌تر می‌شود؛ زیرا اعتماد عمومی به امکان اصلاح تدریجی کاهش می‌یابد.

۴. نتیجه‌گیری

ترکیب تحلیل نهادی و داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد تکرار اعتراضات در ایران را نمی‌توان صرفا به رویدادهای مقطعی نسبت داد. تورم مزمن، رشد ناپایدار، بیکاری گسترده به‌ویژه در بین جوانان و کاهش ارزش پول ملی، زمینه‌های مادی نارضایتی را فراهم کرده‌اند؛ اما آنچه این نارضایتی را به چرخه‌های تکرارشونده تبدیل کرده بود، فقدان سازوکارهای گفت‌وگوی نهادی و تعهد معتبر است.

دولت فعلا ظرفیت کنترلی بالایی دارد، اما نهادهای میانجی که بتوانند مطالبات جامعه را به صورت نهادی منتقل کنند، تضعیف شده‌اند. نتیجه، چرخه‌ای از نارضایتی انباشته و انفجارهای مقطعی است. وعده‌های اصلاحات نیز راه‌گشا نیستند؛ زیرا جامعه زمانی به اصلاحات اعتماد می‌کند که باور داشته باشد قواعد بازی به شکل پایدار تغییر خواهد کرد. اگر این باور شکل نگیرد، حتی امتیازات کوتاه‌مدت نیز نمی‌توانند سرمایه اجتماعی ازدست‌رفته را بازسازی کنند.

در این معنا، چالش ایران بیش از آنکه امنیتی یا اقتصادی باشد، نهادی است. پرسش اصلی این نیست که آیا اعتراض رخ می‌دهد یا نه، بلکه این است که آیا سازوکاری برای تبدیل نارضایتی به اصلاح تدریجی وجود دارد یا خیر.

در منطق عجم‌اوغلو و رابینسون، آینده به توانایی نظام نهادی در بازسازی تعادل دولت-جامعه و تولید قواعد باورپذیر وابسته است. بدون چنین بازسازی‌ای، چرخه اعتراض ممکن است تداوم یابد، حتی اگر هر موج به طور مقطعی مهار شود.

آگهی شناسایی، ارزیابی و انتخاب مشاور نظارت عالیه و کارگاهی بر ساخت ۱۱۵۲ واحد مسکن خدمت در جزیره کیش به شماره ۴۰۴/۳۰/۰۰/۱۶

نوبت اول

شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش (سهامی خاص) متعلق به سازمان منطقه آزاد کیش در نظر دارد، تا از طریق برگزاری فراخوان عمومی نسبت به شناسایی ، ارزیابی و انتخاب مشاور نظارت عالیه و کارگاهی بر ساخت ۱۱۵۲ واحد مسکن خدمت در جزیره کیش اقدام نماید.

ردیف	شماره قطعه	موقعیت زمین	کاربری زمین	مساحت زمین (مترمربع)	تراکم پایه	تراکم قابل فروش شهرسازی	مجموع تراکم پایه و قابل فروش
۱	VC-370	شهرک میرمهنا جنب ستاد نوروزی جزیره کیش	مسکونی	۶۰۰۰۰	۲۰۰	۰	۲۰۰

سطح اشغال در طبقه همکف و اول ۳۰٪ و در مابقی طبقات ۲۰٪ در مجموع ۱۲ طبقه روی همکف

نام و نشانی شرکت : شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش واقع در جزیره کیش، خیابان لوپ دیدار، بلوار برج، برج صدف، طبقه سوم تلفن تماس ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶

● **تاریخ فروش اسناد فراخوان:** از تاریخ درج آگهی (مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹)تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

● **آخرین مهلت زمان تحویل اسناد فراخوان:** از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۹

● **محل فروش اسناد فراخوان:**

دفتر مرکزی: جزیره کیش- - واقع در جزیره کیش، خیابان لوپ دیدار، بلوار برج، برج صدف، طبقه سوم تلفن تماس ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶

دفتر تهران: بزرگراه آفریقا- بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)- نبش خیابان کیش- ساختمان منطقه آزاد کیش- شماره ۴۵ - طبقه دوم تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰- ۸۸۷۷۱۹۰۳ -۰۲۱

سایت شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش IDC.KISH.IR (مناقصه ها و مزایده ها) (IDCTENDER.KISH.IR)

محل تحویل پاکات:

دفتر مرکزی: جزیره کیش- لوپ دیدار- خیابان برج - برج صدف- طبقه سوم - دبیرخانه شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش- تلفن: ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶

دفتر تهران: بزرگراه نلسون ماندلا- بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)- نبش خیابان کیش- ساختمان منطقه آزاد کیش- شماره ۴۵ - طبقه دوم ، تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰- ۰۲۱-۸۸۷۷۱۹۰۳۰

● **نحوه خرید اسناد فراخوان:**

۱۵،۰۰۰،۰۰۰ (پانزده میلیون) ریال وجه نقد که می بایست به حساب شماره ۷۲۱۷۱۱۶۲۵۹۶۵۷۱ به شماره شبا IR ۰۷۰۶۰۰۷۲۱۷۰۱۱۰۶۲۵۹۶۵۷۰۰۱ نزد بانک قرض الحسنه مهر ایران به نام شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش واریز گردد.

مبلغ خرید اسناد از طریق سامانه اینترنتی شرکت ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده میلیون) ریال می باشد.

سایر شرایط :

● مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هشت میلیارد) ریال می‌باشد که به یکی از سه روش ذیل می‌بایست ارائه گردد:

ارائه ضمانتنامه بانکی بدون هرگونه قید و شرط به نام شرکت مطابق ضوابط مندرج در اسناد فراخوان با اعتبار سه ماه و قابل تمدید برای سه ماه دیگر

چک بانکی تضمینی به نام شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش

رسید واریز نقدی به حساب شماره ۷۲۱۷۱۱۶۲۵۹۶۵۷۱ به شماره شبا ۰۷۰۶۰۰۷۲۱۷۰۱۱۰۶۲۵۹۶۵۷۰۰۱IR نزد بانک مهر به نام شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش

● شرکت کلیه اشخاص حقوقی با سوابق مرتبط و دارای توان مالی و اجرایی در این فراخوان مجاز می باشد

● هزینه درج هر دو نوبت آگهی بر عهده مشاور می‌باشد.

● تکمیل و ارائه مدارک مربوطه هیچ گونه حقی برای متقاضی و یا تعهدی برای شرکت ایجاد نخواهد کرد و شرکت در قبول و یا رد درخواست هر یک از متقاضیان مختار و مخیر است.

متقاضی تحت هیچ شرایطی حق درخواست استرداد مدارک ارسالی و یا وجه واریز شده به منظور خرید اسناد را از شرکت نخواهد داشت.

● سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد فراخوان درج گردیده است.

● جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲-۴۴۴۵۳۳۷۱-۰۷۶ (حوزه مدیریت سرمایه‌گذاری و فروش داخلی ۱۱۰) تماس یا به سایتidc.kish.ir مراجعه فرمایید.

شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش
دبیرخانه کمیسیون معاملات

موضوع: آگهی مناقصه عمومی مربوط به طبخ و توزیع غذای دفتر مرکزی پتروپارس در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۶ شماره مناقصه: CCA/T/1404/26

پتروپارس

شرکت پتروپارس لیمیتد در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای توام با ارزیابی کیفی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

لذا از کلیه موسسات متقاضی دعوت به عمل می آید در صورت تمایل به شرکت در مناقصه فوق نسبت به اعلام آمادگی و شرکت در فرآیند مناقصه اقدام نمایند.

فراخوان عمومی آگهی مناقصه فوق در دو نوبت در روزهای چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ و شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹خواهد بود.

موضوع مناقصه: طبخ و توزیع غذای دفتر مرکزی پتروپارس در سال ۱۴۰۵-۱۴۰۶

نوع مناقصه: مناقصه عمومی یک مرحله ای

شماره مناقصه: CCA/T/1404/26

مبلغ برآورد مناقصه: ۶۶۸،۵۱۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانت نامه بانکی مورد قبول کارفرما/ فیش واریزی سپرده نقدی (بنا بر ابلاغ رسمی وزارت نفت ضمانت نامه بانکی صادره از بانک پاسارگاد مورد تأیید نمی باشد).

مدت انجام کار: ۱۲ ماه شمسی

محل اجرا: محل آشپزخانه تهران، سعادت آباد، بلوار فرهنگ، نرسیده به میدان فرهنگ، کوچه عرفان، ساختمان عرفان، طبقه منفی دو- محل رستوران و سرو غذا- ساختمان فرهنگ طبقه منفی یک

نحوه ارائه اسناد ارزیابی کیفی: موسسات نسبت به ثبت نام و بارگذاری تمامی مدارک درخواستی مطابق اسناد مناقصه تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ در سامانه معاملات شرکت پتروپارس به نشانی Tender.ppars.com اقدام کردد.

آدرس شرکت و دریافت نقطه نظرات: تهران، سعادت آباد، بلوار فرهنگ، نرسیده به میدان فرهنگ، کوچه عرفان، ساختمان عرفان، طبقه دوم، مدیریت حقوقی و قراردادها تلفن: ۲۹۴۴۲۳۱۷- ، -Rezaeimofrad.sh@ppars.com

تحویل اسناد مناقصه و گشایش پاکات: پس از بررسی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضیان و کسب امتیاز کیفی لازم (حداقل ۶۰ نمره از ۱۰۰)، پاکات الف (تضمین شرکت در مناقصه) و ج (پیشنهاد مالی) شرکت های تائید شده در مرحله ارزیابی کیفی گشوده خواهد شد.

شرایط عمومی:

کلیه مدارک درخواستی در جداول ارزیابی کیفی می بایست تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ در سامانه مناقصات بارگذاری گردد.

اسکن فرم های اطلاعات مناقصه گر و اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به همراه مابقی مدارک می بایست در سامانه مناقصات بارگذاری گردد.

دارا بودن شخصیت حقوقی، ارائه اساسنامه، آگهی تأسیس، آگهی آخرین تغییرات و شناسه ملی و کد اقتصادی مطابق جداول ارزیابی کیفی الزامی می باشد.

چنانچه در مرحله ارزیابی کیفی مشخص گردید شرکت های متقاضی از مدارک جعلی یا اطلاعات خلاف واقع، تهدید، رشوه و نظایر آن برای صلاحیت خود استفاده نموده اند، مطابق قوانین و مقررات با متخلف رفتار خواهد شد.

ارائه سوابق و مدارک هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

حداقل امتیاز قابل قبول جهت دعوت به مناقصه ۶۰ (شصت) امتیاز می باشد.

آدرس ایمیل کارشناسان مناقصه فوق به شرح زیر می باشد:

...Rezaeimofrad.sh@ppars.com

حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی جهت گشایش پاکات فنی مناقصه گران ۶۰ (شصت) امتیاز می باشد.

شرکت هایی که امتیاز لازم در ارزیابی کیفی را کسب نمایند، پیشنهاد فنی آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فرم های اطلاعات مناقصه گر و اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به همراه مابقی مدارک می بایست در مدارک ارزیابی کیفی ارائه گردد و در سامانه فوق الذکر بارگزاری گردد.

تمام صفحات مدارک ارزیابی کیفی مالی (بدون قیمت) و اسناد مناقصه باید توسط صاحبان امضاء مجاز مهر و امضاء خوانده شد و مورد قبول است درج گردیده به مناقصه گذار به صورت اسکن شده تسلیم گردد.

شرکت کنندگان میبایست اسناد کیفی را در سامانه (Tender.ppars.com) بارگزاری نمایند و مشخصات ضمانت نامه بانکی نیز در سامانه فوق درج گردیده و دو پاکت الف (ضمانت نامه شرکت در مناقصه) و ج (پیشنهاد مالی) به صورت فیزیکی به صورت دربسته و مهر و موم شده تا ساعت ۱۴ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ به آدرس مندرج در بند ۸ ارسال نمایند.

تاریخ اعتبار: پیشنهاد مالی می بایست ۱۲۰ روز از آخرین مهلت دریافت پیشنهاد معتبر باشد.

برخی نکات مهم:

هزینه درج آگهی در روزنامه بر عهده برنده مناقصه می باشد.

شرکت کنندگان نباید در لیست سیاه شرکت ملی نفت، شرکت پتروپارس و ... قرار داشته باشند.

توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل فرم ها، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضی قابل بررسی نمی باشد و ارائه مدارک ارزیابی و عدم تایید صلاحیت، هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

شرکت پتروپارس در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکت ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است. بدیهی است حق هر گونه ادعا در این خصوص از مناقصه گران سلب می گردد.

روابط عمومی و امور بین الملل
گروه پتروپارس